

زبان و ادب فارسی

نشریه دانشکده ادبیات و

علوم انسانی دانشگاه تبریز

سال 54، بهار و تابستان 90

شماره مسلسل 223

فعل ماضی متعدی و ساخت ارگتیو در متن فارسی میانه،

سنسکریت و فارسی *دادستان مینوی خرد*

دکتر سیف‌اله چنگیزی*

فارغ‌التحصیل دوره دکتری فرهنگ و زبانهای باستانی دانشگاه تهران

چکیده

دادستان مینوی خرد متنی به زبان فارسی میانه مشتمل بر 63 فصل و در شمار اندرزمانه‌هاست. در قرن 14 میلادی تریوسنگ آن را به زبان سنسکریت ترجمه کرده است. ترجمه تریوسنگ ترجمه‌ای لفظ‌به‌لفظ است، بدون مطالعه متن فارسی میانه قابل درک نیست و زبان آن ویژگی‌هایی دارد که آن را از سنسکریت کلاسیک متمایز و به زبان‌های ایرانی نزدیک می‌سازد. از این جهت لازم است با متن فارسی میانه مقایسه و ویژگی‌های زبان‌شناختی آن بررسی شود. *دادستان مینوی خرد* در قرن هجدهم میلادی به فارسی نیز ترجمه شده است. در این مقاله فعل ماضی متعدی و ساخت ارگتیو *دادستان مینوی خرد* و شیوه ترجمه آن به سنسکریت و فارسی بررسی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: فارسی میانه، سنسکریت، فارسی، ارگتیو، ماضی متعدی، ماضی نقلی.

مقدمه

دانشگاه مینوی خرد از جمله متون فارسی میانه است که مشتمل بر پند و اندرز و نیز مطالب اساطیری و داستان‌های قدیم ایرانی است. این مطالب در قالب یک مقدمه و 62 پرسش بیان شده که مجموعاً 63 فصل را تشکیل می‌دهد. نثر کتاب ساده و روان و جملات کوتاه و روشن است و احتمالاً در اواخر دوران ساسانی تدوین شده است (تفضلی، 1377: 196-198).

نریوسنگ از موبدان زردشتی هند در نیمه اول قرن چهاردهم میلادی، این کتاب را به پازند و سنسکریت ترجمه کرده است. ترجمه سنسکریت نریوسنگ، در واقع گونه‌ای متأخر از زبان سنسکریت را می‌نمایاند که تحت تأثیر زبان‌های ایرانی بوده است. هدف نریوسنگ انتقال معانی متن فارسی میانه به معتقدان کیش زردشتی است که در محیط هند، درک زبان فارسی میانه برایشان دشوار و یا شاید غیرممکن بوده است.

ترجمه نریوسنگ، ترجمه‌ای لفظ به لفظ است و بدون مطالعه متن فارسی میانه به طور کامل قابل فهم نیست. بررسی سبک‌شناختی ترجمه نریوسنگ بحث بسیار گسترده‌ای است و باید هر یک از مباحث آوایی، واژگانی، صرفی، نحوی و معنایی ترجمه او در مقایسه با متن فارسی میانه به طور جداگانه بررسی شود. تاکنون ویژگی‌ها و شیوه‌های ترجمه نریوسنگ بررسی نشده است؛ تنها دگنر (Degener, 1991) برخی شیوه‌های ترجمه سنسکریت شکند گمانیگ وزار را بررسی کرده و رضایی باغ بیدی (Rezai Baghbidi, 2008) روایت سنسکریت فصل سیزدهم شکند گمانیگ وزار را به انگلیسی ترجمه و ویژگی‌های زبان‌شناختی و شیوه ترجمه نریوسنگ را تحلیل کرده است. راشد محصل (1377) نیز در مقاله‌ای متن اوستایی، زند و سنسکریت نخستین

بند یسن 28 را واژه‌به‌واژه تحلیل و دربارهٔ شیوهٔ کار نریوسنگ به کوتاهی بحث کرده است.

متن فارسی میانه، پازند و سنسکریت مینوی خرد را انکلساریا (Anklesaria, 1913) چاپ کرده است. روایت سنسکریت مینوی خرد را نیز بهروچه (Bharucha, 1912) منتشر ساخته است. وست (West, 1871) متن پازند و سنسکریت مینوی خرد را آوانویسی کرده و تنها روایت پازند را به انگلیسی ترجمه نموده و در پایان برای متن پازند، واژه‌نامه‌ای تهیه کرده و در برابر هر واژه معادل سنسکریت آنرا آورده است.

از مینوی خرد متن فارسی نیز در دست است که آن را حکیم هرمزدجی ایدلجی در سال 1166 یزدگردی (1797 میلادی) از روی متن پازند برگردانده و اردشیر خدارحم مرزبان بنشاهی در سال 1317 شمسی آنرا به چاپ رسانده است. ترجمهٔ او برخلاف ترجمهٔ نریوسنگ، چندان تحت‌اللفظ نیست و گاهی که لفظ‌به‌لفظ از متن پازند پیروی کرده، برای تکمیل مفهوم جمله از خود چیزی بدان افزوده است.

* * *

از جمله ویژگی‌های سبک‌شناختی ترجمهٔ سنسکریت نریوسنگ، شیوه ترجمهٔ افعال ماضی متعدی و ساخت ارگتیو است. او برای ترجمهٔ فعل ماضی متعدی شیوهٔ های گوناگونی را به کار گرفته که در این مقاله از هر یک نمونه‌ای همراه با ترجمهٔ فارسی آن ذکر شده، سپس دربارهٔ ساخت دستوری فارسی میانه، ترجمهٔ سنسکریت و فارسی توضیحاتی آمده و در پایان، دربارهٔ آنها بحث و نتیجه‌گیری شده است. جملات فارسی میانه با نشانهٔ (Mp.)، جملات سنسکریت با نشانهٔ (Skr.) و جملات فارسی با نشانهٔ (ف.) مشخص شده‌اند.

1) فعل ماضی متعدی به صورت فعل ماضی استمراری (= غیر تام/imperfect) در باب گذرا و در ترجمه فارسی نیز به صورت فعل متعدی، گاه در زمان‌های دیگر، ترجمه شده است:

Mp. *kard* (کرد): Skr. *akarot*: ف. نمود/کرد (مقدمه/52، 53؛ 5/11؛
 Mp. *brēhēnīd* (آفرید): Skr. *asṛjat*: ف. پیدا کرد/بخشیده است (8/7؛
 Mp. *ō paydāgīh āwurd* (آشکارا کرد): Skr. *prakaṭatāyā*:
 F. آشکارا پیدا کرد (23/26). *samānayat*:

2) فعل ماضی متعدی به صورت صفت مفعولی، عامل آن در حالت بایی و مفعول منطقی در حالت فاعلی ترجمه می‌شود؛ صفت مفعولی از نظر حالت، شمار و جنس با مفعول منطقی مطابقت دارد. در ترجمه فارسی عامل و مفعول منطقی به درستی تشخیص داده شده‌اند و گاهی زمان فعل تغییر یافته است:

(128/1)

Mp. *-m ... kanīg ... nē dīd*.

من ... کنیزی ... ندیدم (= به وسیله من ... کنیزی ... دیده نشد).

Skr. *mayā ... kanyā ... na dṛṣṭā*.

من ... کنیزی ... ندیدم (= به وسیله من ... کنیزی ... دیده نشد).

ف. من ... زنی ... ندیده‌ام.

-m (عامل): *mayā* (ضمیر اول شخص مفرد در حالت بایی)؛ *kanīg* (مفعول منطقی)؛ *kanyā* (فاعلی مفرد مؤنث)؛ *dīd* (فعل ماضی متعدی برای عامل اول)

شخص مفرد): *dā* (صفت مفعولی در حالت فاعلی مفرد مؤنث)، در ترجمه فارسی ماضی نقلی اول شخص مفرد ترجمه شده است.

(7/11)

Mp. ahreman ān haft abāxtar ... dād.

اهریمن آن هفت اباختر را ... آفرید (= به وسیله اهریمن آن هفت اباختر ... آفریده شدند).

Skr. āharmanena ye sapta grahās ... pradattā.

اهریمن آن هفت اباختر را ... داد (= به وسیله اهریمن آن هفت اباختر ... داده شدند).
ف. اهریمن آن هفت ستاره ... میبخشد.

ahreman (عامل): *āharmanena* (بایی مفرد مذکر)؛ *haft abāxtarān* (مفعول منطقی): *ye sapta grahās* (فاعلی جمع مذکر)؛ *dād* (فعل ماضی متعدی برای عامل سوم شخص مفرد): *(=s) pradattā* (صفت مفعولی در حالت فاعلی جمع مذکر)، در ترجمه فارسی فعل ماضی متعدی به صورت مضارع متعدی سوم شخص مفرد ترجمه شده است.

2-1) گاه مفعول منطقی جمله ای است که پس از فعل آمده، در این صورت فعل ماضی به صورت صفت مفعولی و در حالت فاعلی مفرد خنثی صرف شده و عامل آن در حالت بایی:

(مقدمه / 45)

و ایشان ... گفتند (به وسیله ایشان ... گفته شد).

Skr. *tāi[ca ... ukta]* .

و ایشان ... گفتند (به وسیله ایشان ... گفته شد).

ف. او شان ... گفت.

guft (فعل ماضی متعدی برای عامل سوم شخص جمع): *ukta* (صفت مفعولی حالت فاعلی مفرد خشی)؛ *-šān* (عامل): *tāis* (ضمیر اشاره حالت بایی جمع مذکر)، ترجمه فارسی تحت اللفظ است و فعل سوم شخص مفرد ترجمه شده است.

2.2) حذف عامل

2.2.1) در جملاتی که عامل به قرینه حذف شده، مترجم آن را حذف کرده و مفعول منطقی را در حالت فاعلی و فعل را به صورت صفت مفعولی و در مطابقت با حالت، جنس و شمار مفعول منطقی ترجمه کرده است:

(مقدمه/51)

Mp. *wuzurg-sūdīh ud arzōmandīh ī xrad ... dīd.*

بزرگ سودی و ارجمندی خرد را ... دید.

Skr. *mahālābhatā mūlyamattāca buddhes ... d[ī]tā.*

سود بزرگ و ارجمندی خرد ... دیده شد.

ف. بزرگ نفع و قیمت مندی آن خرد را ... دید.

mahālābhatā (مفعول منطقی): *-sūdīh ud arzōmandīhwuzurg*
mūlyamattāca (فاعلی مفرد مؤنث): *dīd* (فعل ماضی متعدی برای عامل سوم
 شخص مفرد محذوف): *dīdīh* (صفت مفعولی در حالت فاعلی مفرد مؤنث)، مترجم
 متن فارسی نیز فعل جمله را به درستی ماضی متعدی سوم شخص مفرد ترجمه کرده
 است.

2.2.1.1 در یک عبارت عامل به قرینه حذف شده و مترجم متن سنسکریت
 مفعول منطقی را نیز تشخیص نداده و فعل را به صورت صفت مفعولی در حالت فاعلی
 مفرد خنثی ترجمه کرده است:

(مقدمه/36)

Mp. ī-šān pad dānāgīh abērtar menīd.

که ایشان را به دانایی برتر اندیشید.

Skr. ye ā jñānatayā 'dhikatarā ci tita .

که از طریق دانایی شان برتر اندیشیده شد.

ف. ایشان از دانایی بسیار اندیشه کرد.

-šān (مفعول منطقی): *ye ā* (موصول در حالت اضافی جمع): *menīd*
 (فعل ماضی متعدی برای عامل سوم شخص مفرد محذوف): *ci tita* (صفت
 مفعولی در حالت فاعلی مفرد خنثی)؛ هم مترجم متن سنسکریت و هم مترجم متن
 فارسی، معنای عبارت فارسی میانه را در نیافته‌اند.

2.2.2) گاه مترجم متن سنسکریت عامل را حذف کرده و مفعول منطقی را در حالت فاعلی و فعل را به صورت صفت مفعولی در مطابقت با حالت، جنس و شمار مفعول منطقی ترجمه کرده است. در ترجمه فارسی، شخص و شمار فعل به درستی ترجمه شده و تنها زمان آن تغییر یافته است:

(16/7)

Mp. ud hamāg dām ud dahišn ī ohrmazd apetyārag ēdōn abāz bawēd čiyōn ān ī-š pad fradomīh brēhēnīd ud dād.

و همه دام و دهش اهرمزد، بی‌پتیاره چنان باز بود همچون آنکه او نخست آفرید و خلق کرد.

Skr. samagrā ca sardātīśca yā svāmīno mahājñānina aprativighātā eva puna syāt yathā sā yā prathama vinirmmitā dāttāca.

و همه دام و دهش سرور بزرگ دانا بی‌دفاع چنان باز شودی همچون آنکه نخست آفریده و داده شد.

ف. تمام پیدایش داده اورمزد بی‌رنج ایدون باز بود چنانکه او دنیا از اول پیدا کرده بود و داد.

ṣ- (عامل): ترجمه نشده؛ ān (مفعول منطقی که مرجع آن *ud dahišndām* در جمله قبل است): *sā* (فاعلی مفرد مؤنث که مرجع آن *-dāti* و *-sardātī* در جمله قبل است)؛ *brēhēnīd* و *dād* (فعل ماضی متعدی برای عامل سوم شخص مفرد): به ترتیب *vinirmmitā* و *dāttā* (هر دو صفت مفعولی در حالت فاعلی مفرد مؤنث

مطابق با (sā)؛ در متن فارسی به صورت «پیدا کرده بود» فعل ماضی بعید سوم شخص مفرد و «داد»، فعل ماضی سوم شخص مفرد ترجمه شده است.

(42/26)

Mp. -š salm ud tū ... be zad.

او سلم و تور را ... بکشت.

Skr. salma ... thojaśca ... nihatāu.

سلم و تور ... کشته شدند.

ف. سلم و تور ... می‌زد.

-š (عامل): ترجمه نشده؛ *ud tū salm* (مفعول منطقی): (=s) *salma* و *thojaś*(=s) (هر دو در حالت فاعلی مفرد مذکر)؛ *zad* (فعل ماضی متعدی برای عامل سوم شخص مفرد)؛ *nihatāu* (صفت مفعولی در حالت فاعلی مثنی مذکر)، در متن فارسی «می‌زد» ماضی استمراری سوم شخص مفرد ترجمه شده است.

2.2.3) گاه عامل فعل ماضی متعدی ذکر نشده و فعل معنای مجهول دارد؛ در این صورت مفعول منطقی در جایگاه فاعل قرار می‌گیرد، فعل به صورت صفت مفعولی در حالت فاعلی و از نظر شخص و شمار در مطابقت با فاعل جمله، صرف می‌شود. مترجم متن فارسی نیز جمله را در باب مجهول ترجمه کرده است:

(18/26)

Mp. ayōxšust iz ... brēhēnīd.

www.SID.ir

فلز گداخته نیز ... آفریده شد.

Skr. *saptadhātavaśca ... nirmitā*.

هفت اجزاء نیز ... آفریده شدند.

ف. ایوختش از تن او پیدا آمد.

ayōxšust (فاعل فعل ماضی متعدی در معنی مجهول): *saptaghātavas*

(فاعلی جمع مذکر)؛ *brēhēnīd* (فعل ماضی متعدی در معنی مجهول):

nirmitā (=s) (صفت مفعولی در حالت فاعلی جمع مذکر).

(55/26)

Mp. (*kay*) *syāwaxš ... brēhēnīd*.

کی سیاوش ... آفریده شد.

Skr. *rājā siāvaksā ... s□□a*.

سیاوش شاه ... آفریده شد.

ف. سیاوختش از تن او پیدا آمد.

syāwaxš (فاعل فعل ماضی متعدی در معنی مجهول): *siāvaksā (=s)*

(فاعلی مفرد مذکر)؛ *brēhēnīd* (فعل ماضی متعدی در معنی مجهول):

s□□a (=s) (فاعلی مفرد مذکر).

1-3-2) گاه مفعول منطقی به قرینه حذف شده؛ در این صورت مترجم متن سنسکریت مفعول منطقی محذوف را در نظر داشته، عامل را در حالت بایی و صفت مفعولی را بر اساس جنس و شمار مفعول منطقی محذوف، ترجمه کرده است:

(28/7)

Mp. ohrmazd [am ud frēdōn ud kayōs ahōš dād hēnd, ud ahreman [am ud frēdōn ud kayōs] ēdōn wardēnīd.

اهرمزد جم و فریدون و کاووس را بی‌مرگ آفرید، و اهریمن [جم و فریدون و کاووس] را ایدون گردانید (= به وسیله اهریمن [جم و فریدون و کاووس] ایدون گردانیده شدند).

Skr. svāminā mahājñāninā yamaśedaphredūnakāhośā rājāna akāyā dattā āsan, āharmmanena ca [yamaśedaphredūnakāhośā] eva paribhrāmītā.

سرور بزرگ دانا، جمشید [و] فریدون [و] کاووس شاه را بی‌مرگ داده بود، و اهریمن [جم و فریدون و کاووس را] چنین گردانید (= به وسیله اهریمن [جم، فریدون و کاووس] چنین گردانیده شدند).

ف. هرمزد جمشید و فریدون و کیکاؤس را بی‌مرگ داده بود و اهریمن [جم و فریدون و کیکاؤس را] ایدون گردانید.

wardēnīd (فعل ماضی متعدی برای عامل سوم شخص مفرد):
paribhrāmītā(s) (صفت مفعولی در حالت فاعلی جمع مذكر)؛ *ahreman* (عامل): *āharmmanena* اسم در حالت بایی مفرد؛ *am ud frēdōn ud kayōs* (مفعول منطقی محذوف): (=s) *yamaśedaphredūnakāhośā* (فاعلی جمع مذكر - محذوف): مترجم متن فارسی نیز عامل و مفعول محذوف را به درستی تشخیص داده

است. لازم به ذکر است مترجم متن سنسکریت، اسامی خاص را عیناً به سنسکریت برگردانده است.

3) وقتی فعل ماضی متعدی همراه با فعل کمکی *h-* است که مطابق با مفعول منطقی صرف شده، مترجم آن را به صورت عبارت وصفی ترکیبی ترجمه می‌کند؛ فعل اصلی را به صورت صفت فاعلی یا مفعولی و فعل کمکی را از ریشه *-ās* «نشستن» و *-as* «بودن» - که در سنسکریت به عنوان فعل کمکی به کار می‌روند - در زمانهای مختلف ترجمه می‌کند. گفتنی است این روش برای ترجمه ماضی نقلی فارسی میانه نیز به کار می‌رود (3-6؛ 3-6-1).

3-1) مترجم در یک عبارت فعل ماضی متعدی را به صورت صفت فاعلی مضارع ناگذر در حالت فاعلی، فعل کمکی *h-* را به صورت فعل مضارع از ریشه *-as* و عامل را در حالت مفعولی ترجمه کرده است:

(138/1)

Mp. ēg-it xwarrahōmandtar-iz be kard hēm.

پس مرا فرهمندتر نیز کردی (=به وسیله تو من فرهمندتر شدم).

Skr. tatastvā śrīmattama ... kurvā ā 'smi .

از آن پس ترا ... کامروا ترین کننده‌ام.

ف. که تو بسیار مرا نورمند کرده‌ای.

kard hēm (فعل ماضی متعدی برای عامل دوم شخص مفرد، *hēm* فعل کمکی مطابق با مفعول منطقی اول شخص مفرد): *kurvā ā 'smi* (*kurvā ā*) *kurvā* صفت

فاعلی مضارع ناگذر در حالت فاعلی مفرد مؤنث، *asmi* فعل مضارع اول شخص مفرد گذرا؛ *-t* (عامل): *tvā* (ضمیر دوم شخص مفرد در حالت مفعولی)، مترجم متن سنسکریت مفهوم جمله را به کلی تغییر داده، اما در ترجمه فارسی عامل، مفعول منطقی و شخص و شمار فعل به درستی تشخیص داده شده‌اند، تنها زمان فعل ماضی نقلی است. بندهای 137، 139 و 179 نیز مشابه با بند 138 است و در ترجمه آنها همین روش به کار رفته است.

3-2) در یک عبارت فعل را به صورت صفت مفعولی در حالت فاعلی، فعل کمکی را به صورت فعل مضارع از ریشه *as-* و عامل را در حالت بایی و مفعول منطقی را در حالت فاعلی ترجمه کرده است:

(4/7)

Mp. ahreman ... dēwān ud druzān ud (abārīg-iz wišūdagān) čiyōn wišūd hēnd?

اهریمن ... دیوان و دروجان و (نیز دیگر اهریمن زادگان) را چگونه زاد؟ (=) بوسیله اهریمن ... دیوان و دروجان و (نیز دیگر اهریمن زادگان) چگونه زاده شدند).

Skr. āharmanena devā devyāśca apare ca k[udra]jantava[ḥ] katha[ḥ] vinirmmitā[ḥ] santi?

اهریمن ... دیوان و دیوزنان و کرم‌ها را چگونه آفرید؟ (= به وسیله اهریمن ... دیوان و دیوزنان و کرم‌ها چگونه آفریده شده‌اند).

ف. [اورمزد] کجسته اهریمن و دروند دیوان و دروجان را چگونه آفرید و

چسان پیدا کرده‌اند؟

hēndwišūd (فعل ماضی متعدی برای عامل سوم شخص مفرد، *hēnd*: فعل کمکی مطابق با مفعول منطقی سوم شخص جمع): *vinirmmitā santi*: (*vinirmmitā (=s)*) صفت مفعولی در حالت فاعلی جمع مذکر، *santi* فعل مضارع سوم شخص جمع گذرا از ریشه *as-*؛ *ahreman* (عامل): *āharmanena* (مفعولی معه مفرد مذکر)؛ در متن فارسی، مترجم «اورمزد» را در عبارت پیشین فاعل دانسته است؛ *ud druzān ud (abārīg-iz wišūdagān)dēwān* (مفعول منطقی): (*devā devyāśca apare ca kṛudrajantava (=s)*) (حالت فاعلی جمع). در متن فارسی این واژه‌ها همراه با *ahreman* مفعول فعل «آفرید» ترجمه شده اند؛ ظاهراً فهم این عبارت برای مترجم دشوار بوده و از این رو «چسان پیدا کرده‌اند» را بدان افزوده است؛ او شخص و شمار فعل را به درستی، اما عامل و مفعول منطقی را نادرست تشخیص داده است.

3-3 در یک عبارت فعل را به صورت صفت مفعولی در حالت فاعلی، فعل کمکی را به صورت فعل مضارع از ریشه *as-*، عامل را در حالت بایی ترجمه کرده و مفعول منطقی را از شخص و شمار فعل کمکی تشخیص نداده است:

(196/1)

Mp. *ēd ī-t ... pursīd, u-m xūbīhā awiš guft ud handarzēnīd hē.*

اینکه ... پرسیدی، من به خوبی [به تو] گفتم و ترا اندرز دادم (= به وسیله من به خوبی تو گفته شدی و اندرز داده شدی).

Skr. *yat tva ... apcchathā mayā śuddhatayā sanmukha ukta samarpitamāste.*

آنچه تو ... پرسیدی، من با خوبی نزد [ت] گفته و سپرده‌ام (= به وسیله من با خوبی نزد [ت] گفته و سپرده شد).

ف. تو ... پرسیدی، و من خوب تر تو را گفتم اندرزگانی از آن.

hēhandarzēnīd (فعل ماضی متعدی برای عامل اول شخص مفرد، *hē* فعل کمکی مطابق با مفعول منطقی دوم شخص مفرد): *samarpitamāste* (*samarpitam*) صفت مفعولی حالت فاعلی مفرد خنثی، *āste* فعل مضارع سوم شخص مفرد ناگذر از ریشه *-ās*؛ *-m* (عامل): *mayā* (ضمیر اول شخص مفرد در حالت بایی)؛ مترجم متن سنسکریت مفعول منطقی را از شخص و شمار فعل کمکی تشخیص نداد و صفت مفعولی را در حالت فاعلی مفرد خنثی ترجمه کرده است؛ چنانکه فعل *guft* را همین گونه ترجمه کرده است: *guft* (فعل ماضی متعدی برای عامل اول شخص مفرد): *ukta* (صفت مفعولی در حالت فاعلی مفرد خنثی). مترجم متن فارسی نیز فعل نخست (= *guft*) را به درستی ماضی متعدی اول شخص مفرد و فعل دوم را به صورت اسمی ترجمه کرده که مفعول فعل «گفتم» است.

3.4 در یک عبارت مترجم فعل را به صورت صفت مفعولی در حالت فاعلی، فعل کمکی را به صورت فعل ماضی استمراری از ریشه *as*، عامل را در حالت بایی و مفعول منطقی را در حالت فاعلی ترجمه کرده است:

(27/7)

Mp. *ohrmazd am ud frēdōn ud kayōs ahōš dād hēnd.*

اورمزد جم و فریدون و کاووس را بی مرگ آفرید (به وسیله اورمزد جم و فریدون و کاووس بی مرگ آفریده شدند).

Skr. *svāminā mahājñāninā yamaśedaphredūnakāhośā ... akñayā dattā āsan.*

سرور بزرگ دانا (= بسیار دانا) جمشید [و] فریدون [و] کاووس را ... بی مرگ داده بود (= به وسیله سرور بزرگ دانا، جمشید [و] فریدون [و] کاووس ... نابودنشده) داده شده بودند.

ف. هورمزد جمشید و فریدون و کیکاؤس را بی مرگ داده بود.

hēnddād (فعل ماضی متعدی برای عامل سوم شخص مفرد؛ *hēnd* فعل کمکی مطابق با مفعول منطقی سوم شخص جمع): *dattā āsan*: *dattā(s)* صفت مفعولی حالت فاعلی جمع مذکر، *āsan* فعل ماضی استمراری سوم شخص جمع گذرا از ریشه *-as*)، در متن فارسی «داده بود» ماضی بعید ترجمه شده است؛ *ohrmazd* (عامل): *svāminā mahājñāninā* (حالت بایی مفرد مذکر)؛ *ud frēdōn ud lam* (*kayōs*) (مفعول منطقی): *yamaśedaphredūnakāhośā* (حالت فاعلی جمع مذکر). مترجم متن فارسی، فعل ماضی متعدی را «داده بود»، ماضی بعید، ترجمه کرده است.

3-5) در یک عبارت عامل ذکر نشده و فعل ماضی متعدی معنای مجهول دارد، مترجم فعل را به صورت صفت مفعولی در حالت فاعلی همراه با فعل شرطی از ریشه *-as* و مفعول منطقی را که در جایگاه فاعل قرار گرفته در حالت فاعلی ترجمه کرده است:

(6/26)

Mp. *awēšān ... dād hēnd.*

www.SID.ir

آنان ... آفریده شدند.

Skr. *te ... dattā āsiyan*.

آنان ... داده شدند.

ف. همه کسان را ... پیدا ساخت و آفرید.

awēšān (فاعل فعل ماضی متعدی در معنای مجهول): *te* (فاعلی جمع مذکر)؛
hēnddād (فعل ماضی متعدی سوم شخص جمع گذرا در معنای مجهول): *dattā*
āsiyan (عبارت وصفی ترکیبی، *dattā(s)* صفت مفعولی در حالت فاعلی جمع،
āsišyan: فعل شرطی سوم شخص جمع گذرا از ریشه *-as*)، مترجم متن فارسی
 عامل محذوفی برای جمله پنداشته و آن را در باب متعدی ترجمه کرده است.

1-3.5) در یک عبارت مترجم معنی مجهول از فعل دریافته و مفعول منطقی را
 در حالت فاعلی، فعل اصلی را به صورت صفت مفعولی در حالت فاعلی و فعل کمکی
 را به صورت فعل شرطی از ریشه *-as* ترجمه کرده است.

(26/26):

Mp. [amšēd hāmōyēn dām ud dahišn] adard ud azarmān
 ud apetyārag kard hēnd,

[جمشید همگی دام و دهش را] بی درد و پیرناشدنی و بی پتیاره کرد.

Skr. (s- dāti-) *aklešinī ca ajarāmatī ca aprativighātā ca*
kātā āsišyan.

[دام و دهش] بی درد و بی پیری و بی دفاع کرده شدند.

ف. [جمشید همه خلقان را] بی درد و رنج و زیان و نوشه کرد.

hēndkard (فعل ماضی متعدی برای عامل سوم شخص مفرد؛ *hēnd* فعل کمکی مطابق با مفعول منطقی): *kā tā āsīšyan* عبارت وصفی مرکب (*kā tā* صفت مفعولی حالت فاعلی مفرد مؤنث، *āsīšyan*: فعل شرطی سوم شخص جمع گذرا از ریشه *-as*)؛ عامل و مفعول منطقی به قرینه حذف شده‌اند اما مترجم متن سنسکریت مفعول منطقی را در عبارت فارسی میانه، عامل پنداشته و فعل را مطابق با آن ترجمه کرده است. مترجم متن فارسی ساخت جمله را به درستی تشخیص داده است.

3-6) صرف فعل مضارع از ریشه *-ās* برای ترجمه فعل کمکی *-ēst* در ساخت ماضی نقلی نیز به کار رفته است؛ به بیانی دیگر فعل ماضی نقلی فارسی میانه در سنسکریت به صورت صفت مفعولی در حالت فاعلی همراه با صرف فعل مضارع از ریشه *-ās* ترجمه شده است و عامل در حالت بایی و مفعول منطقی در حالت فاعلی:

(15/14)

Mp. ahreman ... dušpādixšāyīh ... dād ēstēd.

اهریمن ... بدپادشاهی را ... آفریده است (= به وسیله اهریمن ... بد پادشاهی ... آفریده شده است).

Skr. āharmanena ... duṣṣarājya ... dattamāste.

اهریمن ... بدپادشاهی را ... داده است (= به وسیله اهریمن ... بد پادشاهی ... داده شده است).

ف. اهریمن ... بدپادشاهی ... داده است.

ahreman (عامل): *āharmanena* (بایی مفرد مذکر): *dušpādixšāyih* (مفعول منطقی): *du[arāja]* (فاعلی مفرد خشتی): *ēstēddād* (ماضی نقلی متعدی برای عامل سوم شخص مفرد): *dattamāste* (عبارت وصفی ترکیبی، *dattam*: صفت مفعولی در حالت فاعلی مفرد خشتی، *āste* فعل مضارع سوم شخص مفرد ناگذر از ریشه *-ās*)، مترجم متن فارسی، زمان فعل را به درستی ماضی نقلی سوم شخص مفرد (= داده است) ترجمه کرده است.

3-6-1) گاه فعل ماضی نقلی متعدی عامل ندارد و به صورت مجهول ترجمه می شود؛ در این صورت مفعول منطقی در جایگاه فاعل قرار می گیرد، فعل اصلی به صورت صفت مفعولی در حالت فاعلی، از نظر شخص و شمار در مطابقت با فاعل و فعل کمکی *ēst-* به صورت فعل مضارع از ریشه *as-* یا *ās-* صرف می شود:

(19/1)

Mp. *xēšm hāwand ahreman guft ēstēd.*

خشم مانند اهریمن گفته شده است.

Skr. *kopāśca tulya āharmanena ukto 'sti.*

و خشم مانند اهریمن گفته شده است.

ف. غصه مثل و مانند شیطان گفته است.

xēšm (فاعل فعل ماضی نقلی متعدی در معنای مجهول): *kopāś(=s)*

(فاعلی مفرد مذکر): *ēstēdguft* (فعل ماضی نقلی متعدی سوم شخص مفرد در معنای مجهول): *ukto 'sti* (عبارت وصفی ترکیبی، *ukto (= uktas)* صفت مفعولی در حالت فاعلی مفرد مذکر، *asti* فعل مضارع سوم شخص مفرد گذرا از ریشه *as-*).

مترجم متن فارسی، فعل را به صورت ماضی نقلی متعدی سوم شخص مفرد (= گفته است) ترجمه کرده، اما فاعلی برای آن ذکر نکرده است.

(26/14)

Mp. hupādixšāy ... hamtāg ī yazadān ud amahraspandān guft ēstēd.

نیک پادشاه ... همتای ایزدان و امشاسپندان گفته شده است.

Skr. surājyā ... tulya ahuramajdena amišāspi tāišca ukta āste.

نیک پادشاه ... همسان با اهرمزد و امشاسپندان گفته شده است.

ف. نیک پادشاه ... برابر یزدان و امشاسفندان گفته است.

surājyā (فاعل فعل ماضی نقلی متعدی در معنای مجهول): *yhupādixšā*

(فاعلی مفرد مذکر): *ēstēdguft* (فعل ماضی نقلی متعدی در معنای مجهول): *ukta*

āste (عبارت وصفی ترکیبی، *ukta* (= *uktas*) صفت مفعولی در حالت فاعلی مفرد

مذکر، *āste* فعل مضارع سوم شخص مفرد ناگذر از ریشه *-ās*)؛ در متن فارسی،

ماضی متعدی سوم شخص مفرد (= گفته است) ترجمه شده، اما فاعلی برای آن ذکر

نشده است.

3_6_1_1 در یک عبارت فعل ماضی نقلی متعدی در معنای مجهول به صورت

عبارت وصفی ترکیبی مشتمل بر صفت مفعولی در حالت فاعلی همراه با صرف فعل

ماضی استمراری از ریشه *-as* ترجمه شده است:

Mp. *xīr ī gētīg pad bun-dahišnīh ēdōn rāst baxt ēstēd*.

کار گیتی در آغاز آفرینش چنین راست بخش شده است.

Skr. *śubha yat ihalokīya mūladāne īd śa satya vibhaktamāsīt*.

نیکی این جهانی در آغاز دهش چنین راست بخش شده بود.

ف. چیز دنیا به بن پیدایش ایدون راست پیدا کرده است.

śubha yat ī gētīg xīr (فاعل فعل ماضی نقلی متعدی در معنای مجهول): *ī gētīg xīr* (فاعلی مفرد خنثی)؛ *ēstēdbaxt* (ماضی نقلی متعدی در معنای مجهول): *vibhaktamāsīt* (عبارت وصفی ترکیبی، *vibhaktam* صفت مفعولی در حالت فاعلی مفرد خنثی، *āsīt* ماضی استمراری سوم شخص مفرد گذرا). در متن فارسی به صورت ماضی نقلی متعدی ترجمه شده، اما فاعلی برای آن ذکر نشده است.

(4) در دو مورد فعل ماضی متعدی به صورت صفت فاعلی ترجمه شده است:

4-1) به صورت صفت فاعلی مضارع ناگذر، عامل در حالت فاعلی و مفعول منطقی در حالت مفعولی ترجمه شده است:

(132/1)

Mp. *kas ... weh mardōm bēšīd ... xwāstag ... handōxt*.

کسی ... مردم نیک را آزرده ... خواسته ... اندوخت (= به وسیله کسی ... مردم نیک آزرده شد ... خواسته ... اندوخته شد).

Skr. *ye ... uttanā śca manuśyān pī ayamānas ... lakṣmī ... arjyamānā*.

[کسانی] که مردمان بهترین را آزارنده [اند] ... خواسته ... به دست آورنده [اند].

ف. دیگر مردمان ... به مردم را آزار دادن ... خزانه ... جمع کردن که دیگر کسان می-کردند.

kas (عامل): *ye* (فاعلی جمع مذکر)؛ *mardōmweh* (مفعول منطقی *bēšīd*): *uttanā śca manuśyān* (مفعولی جمع مذکر)، *xwāstag* (مفعول منطقی برای فعل *handōxt*): *lakśmī* (مفعولی مفرد مؤنث)؛ *bēšīd* و *handōxt* (افعال ماضی متعدی برای عامل سوم شخص مفرد): به ترتیب *pī ayamānās* و *arjayamānā (=s)* (صفت‌های فاعلی مضارع ناگذر در حالت فاعلی جمع مذکر). در متن پازند این افعال به صورت مصدر (*w h mardum bēšīdan, x āsta*) ترجمه شده‌اند و مترجم متن فارسی نیز آنها را به صورت مصدر ترجمه کرده و سپس عبارت دیگری برای تکمیل مفهوم جمله بدان افزوده است.

(135/1)

Mp. u-t dran īšn ī rāstīh ud frārōnīh guft.

کلام راستی و پرهیزگاری گفتی (= به وسیله تو کلام راستی و پرهیزگاری گفته شد).

Skr. tva ... vākya yat satyameva sadācārī ca bruvā a.

تو ... گوینده [ای] کلامی را که راست و نیک رفتار [است].

ف. و تو گفتار راست گفتن و نیک گفتن که اختیار کردی.

guft (فعل ماضی متعدی برای عامل دوم شخص مفرد): (*bruvā a (=s)*)
(صفت فاعلی مضارع ناگذر حالت فاعلی مفرد مذکر). فعل ماضی متعدی در متن پازند
به صورت مصدر (= *anguft*) ترجمه شده و مترجم متن فارسی نیز آن را به صورت
مصدر ترجمه کرده و عبارت دیگری برای تکمیل مفهوم جمله بدان افزوده است.

4.2) فعل ماضی متعدی به صورت صفت فاعلی مضارع مجهول ترجمه شده و
معنای جمله به کلی تغییر کرده است:

(174/1)

Mp. kē weh mardōm ... dāšn dād.

[آن] که به مردم را ... هدیه داد.

Skr. yā uttamānā manu yā ā ... dānāni ca dīyamā ā i.

[آنان] که ... بهره‌های داده شونده مردمان بهترین [هستند].

ف. مردم ... دهشن دادن.

dād (فعل ماضی متعدی برای عامل سوم شخص مفرد): (*dīyamā ā i*)

(صفت فاعلی مضارع مجهول در حالت فاعلی جمع خشی)؛ *kē* (عامل)؛ *yā* (موصول
حالت فاعلی جمع مؤنث)؛ *dāšn* (مفعول منطقی)؛ *dānāni* (فاعلی جمع خشی)؛
mardōmweh (مفعول غیر صریح)؛ *manu yā ā uttamānā* (حالت
اضافی جمع مذکر). مترجم متن فارسی از متن پازند «*dahišn dādan*» را به صورت
مصدر (= دهشن دادن)، ترجمه کرده است.

5) در یک جمله فعل ماضی متعدی به صورت فعل شرطی (*conditional*)، عامل آن در حالت فاعلی، و مفعول منطقی در حالت مفعولی ترجمه شده است:

(5/12)

Mp. kû-šān kirbag ud bazag ī kard, ēg-išān pādāšn ī kirbag ud pādifrāh ī bazag ... dīd.

که کرفه و بزه‌ای که کردند، پس پاداش کرفه و پادافرا بزه را ... دیدند.

Skr. ete manuśyā pu yāni pāpāni ca yānyakari yan te ā prasāda yat pu yasya nigraha ca yat pāpasya ... adrak yan.

آن مردمان، کرفه و بزه‌ای که کردند، پاداش کرفه و پادافرا بزه‌شان را ... دیدند.

ف. که‌شان کرفه و گناه کرد اوشان پاداش کرفه و پادافرا بزه بچشم خویش دید.

kard و *dīd* (ماضی متعدی برای عامل سوم شخص جمع): *akari yan* و *adrak yan* (فعل شرطی سوم شخص جمع گذرا به ترتیب از ریشه *k-* و *d-*)؛ *šān-* (عامل *kard*)، مرجع آن *(mardōmān)*؛ (=s) *ete manuśyā* (فاعلی جمع مذکر)، *šān-* (عامل *dīd*): *te ā* (ضمیر اشاره حالت اضافی جمع)؛ *kirbag ud bazag* (مفعول منطقی *kard*): *pu yāni pāpāni* (مفعولی جمع خشی)، *pādāšn* و *pādifrāh* (مفعول منطقی *dīd*): *prasāda* و *nigraha* (مفعولی مفرد مذکر). متن فارسی ترجمه تحت اللفظ متن پازند است.

6) در یک عبارت فعل ماضی متعدی به صورت فعل نقلی (*perfect*) و مفعول منطقی نیز در حالت مفعولی ترجمه شده، عامل ترجمه نشده و از شخص و شمار فعل نقلی مشخص است:

www.SID.ir

MP. -š mār ī srūwar ud gurg ī kabōd ... be ōzad.

که مار شاخدار و گرگ کبود ... را بکشت.

Skr. sarppa ca ya śruvaranāmāna vyāghra ca ya kapūtnāmāna ... nijaghāna.

مار سرور نام و ببر کبود نام ... را کشت.

ف. مارنام او سرووز و گرگ کپوت ... می‌زد و نیست کرد.

ōzad (فعل ماضی متعدی برای عامل سوم شخص مفرد): nijaghāna (فعل

نقلی سوم شخص مفرد گذرا؛ -š (عامل): ترجمه نشده؛ ī srūwar ud gurg mār

ī kabōd (مفعول منطقی): sarppa ca ya śruvaranāmāna

vyāghra ca ya kapūtnāmāna (حالت مفعولی مفرد مذکر). فعل ōzad

در متن فارسی به صورت دو فعل «می‌زد» و «نیست می‌کرد» ترجمه شده و مترجم

شخص و شمار فعل را به درستی تشخیص داده اما یکی از افعال را ماضی استمراری

ترجمه کرده است.

نتیجه

در ترجمه سنسکریت *دادستان مینوی خرد*، فعل ماضی متعدی بدون فعل کمکی

h- به چند شیوه ترجمه شده است:

1) فعل ماضی استمراری در باب گذرا (شیوه 1) روشی رایج برای ترجمه فعل

ماضی متعدی است. در ترجمه فارسی این افعال به صورت فعل متعدی، در زمان ماضی

و به ندرت در دیگر زمان‌ها ترجمه شده‌اند.

2) صفت مفعولی به همراه عامل آن در حالت بایی (شیوه 2) در سنسکریت گاه جایگزین کاربرد فعل گذرا با فاعل آن می‌شود (Whitney, 1889, §282). در ترجمه فارسی، این افعال در باب متعدی ترجمه شده‌اند، اما گاه مترجم زمان آنها را تغییر داده است. در مواردی که مترجم متن سنسکریت در ترجمه فعل ماضی متعدی دچار اشتباه شده، مثلاً عامل را ترجمه نکرده (2.2.2) یا مفعول منطقی را تشخیص نداده (2.2.1.1)، مطابقت حالت، جنس و شمار صفت مفعولی و مفعول منطقی را به درستی رعایت کرده است. مترجم متن فارسی عامل، مفعول منطقی و شخص و شمار فعل را تشخیص داده است.

3) ترجمه فعل ماضی متعدی به صورت صفت فاعلی مضارع ناگذر (4.1)، اگرچه به لحاظ معنایی تغییری در مفهوم جمله ایجاد نمی‌کند اما به لحاظ زمانی با آن متفاوت است؛ نیز ترجمه آن به صفت فاعلی مضارع مجهول (4.2) مفهوم جمله را به کلی دگرگون ساخته است. در متن فارسی، مترجم به پیروی از متن پازند، افعال ماضی متعدی را به صورت مصدر ترجمه کرده است و گاه برای تکمیل مفهوم جمله، عبارتی به آن افزوده است. به نظر می‌رسد متن مورد استفاده نریوسنگ، مترجم متن سنسکریت و پازند، با آنچه امروز در دست است تفاوت‌هایی داشته است، زیرا افعالی که در متن پازند به صورت مصدر آمده‌اند در متن سنسکریت به صورت صفت فاعلی ترجمه شده‌اند.

4) فعل شرطی (شیوه 5) و فعل نقلی (شیوه 6) هم به لحاظ نحوی و هم به لحاظ مفهومی با متن فارسی میانه مطابقت دارد. در شیوه 5 مترجم متن فارسی لفظ به لفظ از متن پازند پیروی کرده و در شیوه 6 دو فعل، یکی در زمان مضارع و دیگری در زمان ماضی به کار برده است.

وقتی فعل ماضی متعدی فارسی میانه با فعل کمکی *h-* همراه است که مطابق با مفعول منطقی صرف شده (شیوه 3)؛ برای ترجمه آن عبارت وصفی مرکب به کار رفته است:

(1) صفت فاعلی همراه با فعل مضارع از ریشه *as-* (3-1)؛

(2) صفت مفعولی همراه با فعل مضارع از ریشه *as-* (3-2) و *ās-* (3-3)؛

(3) صفت مفعولی همراه با فعل ماضی استمراری از ریشه *as-* (3-4).

در (3-1، 3-3) مفهوم جمله تغییر یافته و در (3-2) و (3-4) برای ترجمه فعل ماضی متعدی سوم شخص مفرد با مفعول منطقی سوم شخص جمع، دو شیوه متفاوت به کار رفته است. مترجم متن فارسی عامل، مفعول منطقی و شخص و شمار فعل را درست دریافته اما زمان فعل را تغییر داده و تنها در (3-3) فعل دوم را به صورت مفعول فعل اول ترجمه کرده است.

افعال ماضی متعدی بدون عامل که معنای مجهول دارند به صورت صفت مفعولی ترجمه می شوند (2-2-3). مترجم متن فارسی نیز به درستی این افعال را در باب مجهول ترجمه کرده است.

فعل ماضی متعدی بدون عامل که معنای مجهول دارد و با فعل کمکی *h-* همراه است (3-5)، و فعل ماضی متعدی که با فعل کمکی *h-* همراه است و مترجم آن را مجهول پنداشته (3-5-1)، به صورت صفت مفعولی همراه با فعل شرطی ترجمه می شوند. مترجم فارسی (3-5) را به صورت ماضی متعدی ترجمه کرده اما برای آن عاملی ذکر نکرده و در ترجمه (3-5-1) عامل را تشخیص داده و فعل جمله را در باب متعدی ترجمه کرده است.

شیوه ترجمه افعال ماضی نقلی متعدی (3-6) همانند شیوه ترجمه افعال ماضی متعدی با فعل کمکی *h-* (شیوه 3) است و مترجم متن فارسی نیز ساخت ماضی نقلی را تشخیص داده و ترجمه کرده است.

فعل ماضی نقلی متعدی بدون عامل و در معنای مجهول به صورت صفت مفعولی همراه با صرف مضارع ریشه *as-* و *ās-* (3-6-1) یا به صورت صفت مفعولی همراه با ماضی استمراری ریشه *as-* (3-6-1-1) ترجمه می‌شود. مترجم متن فارسی ظاهراً ساخت مجهولی این افعال را تشخیص نداده و آنها را به پیروی از متن اصلی همانند ماضی نقلی ترجمه کرده اما عاملی برای آن نیاورده است.

مترجم متن سنسکریت در ترجمه ساخت فعل ماضی متعدی و ساخت ارگتیو روش یکسانی به کار نگرفته است. او فعل کمکی *h-* را در ساخت ارگتیو به گونه‌های متخلف ترجمه کرده و گاهی نیز برای حفظ ترتیب کلمات، ساخت جمله و روابط نحوی کلمات را در جمله فارسی میانه نادیده گرفته است. اشتباهات مترجم، به کارگیری شیوه‌های مختلف و به کارگیری برخی از همین شیوه‌ها برای ترجمه ساخت ماضی نقلی فارسی میانه، ناآشنایی مترجم را با ساخت ارگتیو نشان می‌دهد.

ترجمه فارسی از روی متن پازند انجام شده و باید در نظر داشت که روایت پازند مینوی خرد را نیز نریوسنگ از روی متن فارسی میانه ترجمه کرده است. مترجم متن فارسی در ترجمه فعل ماضی متعدی بیشتر به مفهوم عبارات توجه داشته و کمتر از نظم واژه‌های متن پازند پیروی کرده است. او ساخت ارگتیو، عامل و مفعول منطقی را به درستی تشخیص داده، تنها گاه زمان فعل را تغییر داده و به ندرت ترجمه لفظ به لفظ را در پیش گرفته است. اشتباهات مترجم در ترجمه فعل ماضی متعدی و ساخت ارگتیو

بسیار کمتر از اشتباهات مترجم متن سنسکریت است و گاه که ترجمه او نامفهوم است از خود عبارتی افزوده تا ابهام آنرا برطرف سازد.

پی‌نوشت‌ها

1. در ارجاعات عدد سمت راست شماره پرسش و عدد سمت چپ شماره بند است.

منابع

- تفضلی، احمد. (1377)، *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*، به کوشش ژاله آموزگار، چاپ دوم، تهران، انتشارات سخن.
- راشد محصل، محمدتقی. (1377)، «درباره برگردان سنسکریت اوستا»، *جشن‌نامه استاد ذبیح‌الله صفا*، به کوشش سید محمد ترابی، چاپ اول، تهران، نشر شهاب.
- ایدلجی، هرمزدجی. (1317)، *کتاب مینو خرد و اندرزنامه فوربودکیشان و گفتار بزرگ‌مهر*، به سعی و کوشش اردشیر خدارحم مرزبان بنشاهی، بمبئی.

- Anklesaria, T. D. (1913), *Dânâk-u Mainyô-i Khard*, Bombay.

- Bharucha, Sh. D. (1912), *Collected Sanskrit Writings of the Parsis*, Part III, Bombay.

- Degener, A. (1991), "Neryosanghs Sanskrit-übersetzung von Škand gumānig vičār", *Corrolla Iranica* (papers in honour of Prof. Dr. David Neil MacKenzie on the occasion of his 65th birthday on April 8th, 1991), ed. R. E. Emmerick and D. Weber, Frankfurt am Main/Bern/New York/Paris, Peter Lang, pp. 49-58.

- Monier-Williams, M. (1899), *A Sanskrit-English Dictionary*, Oxford.

- Rezai Baghbidi, H. (2008), "Linguistic Peculiarities of the Sanskrit Translation of the 13th Chapter of the Škend Gumānig Wizar", *Essays in Honor of SĀDĪQ KIYĀ*, ed. Askar Bahrami, Mīras-i Maktūb, Tehran.

-Whitney, W. D. (1889), *Sanskrit Grammar*, 2nd ed., London.

-West, E. W. (1871), *The Book of the Mainyo-i-Khard*, Stuttgart-London.

Archive of SID